

راه نجات مردم ما از کانال راه حل‌های امپریالیستی نمی‌گذرد. تنها راه نجات مردم، تشدید مبارزه و تلاش برای سازمان دادن یک انقلاب اجتماعی است که با اتکا به قدرت توده‌های سازمانیافته، متشکل و مسلح، رژیم جمهوری اسلامی را برافکنده و سلطه ننگین امپریالیسم را از تمام شئون جامعه محو سازد.

نشریه سیاسی - خبری چریکهای فدایی خلق ایران، شماره ۴۲ - ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۵

"پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی" و تشدید تضادهای امپریالیستی

نموده و برعکس بر ادامه "تلاش‌های دیپلماتیک" و "صلح‌آمیز" در حل بحران جاری تاکید می‌ورزند. امری که تا کنون به تداوم تنش‌ها و بن‌بست در مذاکرات جاری در میان قدرت‌های فوق منجر گشته و کار به جایی رسیده که مقامات آمریکایی در اینجا و آنجا با تهدید ضمنی رقبا، از "آمدگی" دولت بوش و هم پیمانانش در دست زدن به "اقدامات یکجانبه"، در صورت به بن‌بست رسیدن مذاکرات دم می‌زنند.

(ادامه در صفحه ۲)

در نشست مقامات کشورهای فوق، در حالی که دولت آمریکا و هم پیمانانش به فشار خود برای تصویب قطعنامه‌ای ادامه می‌دهند که در آن راه برای اعمال "تحریم اقتصادی" و نهایتاً مبادرت به "راه حل نظامی" باز باشد، قدرت‌های دیگر، از جمله روسیه، شدیداً با چنین قطعنامه‌ای مخالفت

مورد "پرونده اتمی" جمهوری اسلامی و در شرایطی برگزار شد که رئیس این آژانس در گزارش خود، با تاکید بر برخی "ناروشنی‌ها" و "عدم شفافیت" در برخورد جمهوری اسلامی، پیگیری این پرونده را به شورای امنیت سازمان ملل رجوع داد.

نشست بدون نتیجه مقامات کشورهای عضو شورای امنیت سازمان ملل به اضافه آلمان بر سر چگونگی برخورد با "بحران هسته‌ای" ایران جلوه دیگری از تشدید تضادهای فی‌مابین قدرت‌های امپریالیستی را به نمایش گذارد. این نشست پس از انتشار گزارش آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای در

قربانیان مظنون به "فعالیت‌های تروریستی" برای شکنجه به نقاط مختلف دنیا، فاش شده است.

(ادامه در صفحه ۲)

"دولت خودمختار" در کردستان عراق و سرکوب اعتراضات توده‌ای

افزایش روزافزون فقر و بیکاری و نابرابری‌های اقتصادی اجتماعی، فقدان خدمات شهری عمومی، و سرکوب مخالفین سیاسی در استان‌های گردنشین شمال عراق موجب افزایش نارضایتی ساکنین منطقه علیه حزب دمکرات کردستان و اتحادیه میهنی کردستان که از سال ۱۹۹۱ در زیر چتر حمایت نظامی و مالی امپریالیسم آمریکا در قدرت قرار گرفته‌اند، شده است. در همین چارچوب، در ۱۵ مارس ۲۰۰۶، هزاران نفر از زحمتکشان شهر حلبچه به راهپیمایی و تظاهرات علیه دولت کردستان پرداختند و به فساد مالی صاحبان قدرت و همچنین اوضاع دهشتناک کار و معاش خویش اعتراض نمودند.

(ادامه در صفحه ۲)

امپریالیسم ابراد نمود که مورد استقبال گرم شرکت‌کنندگان قرار گرفت. در این سخنرانی، گوشه‌هایی از تجربه کمونیست‌های ایران در برخورد با جمهوری اسلامی به مثابه تجلی "بنیادگرایی اسلامی" در ایران، در اختیار شرکت‌کنندگان در جلسه قرار گرفت. در همین تاریخ، تظاهرات ضدجنگ بزرگی از سوی سازماندهندگان این گردهمایی بر علیه جنگ‌طلبی امپریالیست‌ها و بر علیه پایگاه‌های نظامی آمریکا در یونان برگزار شد. این تظاهرات با حمله پلیس یونان به خشونت کشیده شد و در جریان درگیری‌ها، چند تن از تظاهرکنندگان و مأمورین پلیس زخمی شدند. گزارش مشروح و قطعنامه پایانی این نشست در شماره‌های آینده نشریات سازمان به اطلاع خوانندگان خواهد رسید.

سازمان سیا و رسوایی پروازهای مخفی "شکنجه"

در جریان تحقیقاتی که در مورد رسوایی افشای "پروازهای مخفی شکنجه" سازمان سیا در اروپا جریان یافته، اخیراً جزئیات بیشتری از عملکردهای ضدخلفی سازمان جاسوسی آمریکا و متحدین اروپایی‌اش، به منظور انتقال

گردهمایی

ضدامپریالیستی در یونان

در تاریخ ۴ تا ۷ ماه می ۲۰۰۶، همزمان با برگزاری چهارمین نشست اروپایی "سوسیال فروم" در شهر آتن یونان، گردهمایی بزرگی از ده‌ها حزب و سازمان و گروه ضدامپریالیستی تحت عنوان "آنتی امپریالیست اسپیس" در دانشگاه "پانتئو"ی این شهر برگزار شد. در جریان این گردهمایی که به ابتکار برخی از احزاب کمونیست و سازمان‌های مردمی از کشورهای یونان، ترکیه، فیلیپین، برزیل و... بر پا شد، صدها نماینده از سازمان‌ها و گروه‌های ضدامپریالیست و ضدجنگ از سراسر دنیا شرکت کردند و در مدت ۳ روز با برگزاری سمینارها و سخنرانی‌های مختلف، ضمن بحث و تبادل نظر با همدیگر، به بررسی برخی از مسائل پیش‌رو و جنبش ضدامپریالیستی و ضدجنگ و وظایف کمونیست‌ها در قبال آنها پرداختند. به دعوت برگزارکنندگان این مراسم، رفیقی به نمایندگی از سازمان ما نیز در این گردهمایی شرکت نموده و در یکی از جلساتی که در روز شنبه ۵ ماه می حول مساله امپریالیسم و جنگ برگزار گشت، سخنرانی‌ای تحت عنوان بنیادگرایی اسلامی، ابزاری در دست



"پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی" و تشدید تضادهای...

بقیه از صفحه ۱

دامنه تضادهای فوق در بین قدرت‌های امپریالیستی تشکیل‌دهنده شورای امنیت، بطور طبیعی در داخل هیات حاکمه این کشورها نیز منعکس گشته و به تشدید صف‌بندی‌های موجود در میان محافل امپریالیستی منجر شده که بسته به منافع غارتگرانه خویش در یک سوی این تضادها ایستاده‌اند. برکناری "جک استراو" از سمت وزیر خارجه دولت انگلیس- که به نوشته روزنامه گاردین اساساً بدلیل "مخالفت" او با "حمله نظامی" به ایران و تحت فشار دولت بوش به دولت تونی بلر صورت گرفت- یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های این واقعیت بود. همچنین نامه مشترک وزرای خارجه سابق آمریکا و آلمان- مادلین آلبرایت و یوشکا فیشر- به همراه ۴ تن از هم‌تایان خود از فرانسه، هلند، لهستان و لوگزامبورگ به بوش که در طی آن نویسندگان نامه، دولت آمریکا را از حمله به ایران منع کرده و از تأثیر این کار بر روابط آمریکا با هم‌بیمانانش و همچنین خطرات آن بر "امنیت جهانی" به دولت بوش "هشدار" دادند، جلوه دیگری از اختلاف نظرهای جاری در بین محافل قدرت در کشورهای امپریالیستی را به منصف ظهور رسانید و تضاد منافع بین آنها را با برجستگی بیشتری به نمایش گذارد.

واقعیت این است که تشدید فزاینده تضادهای فی‌مابین قدرت‌های جهان‌خوار در سال‌های اخیر که بار دیگر و به شکل برجسته‌ای در برخورد به مساله "پرونده هسته‌ای" جمهوری اسلامی بروز یافته است، قبل از هر چیز انعکاس تشدید بحران در نظام غارتگرانه سرمایه‌داری جهانی و در نتیجه تلاش امپریالیست‌های غارتگر در حفظ منافع و بازارهای خویش در سطح جهانی و یا گسترش آنها با تحمیل جنگ و نابودی هرچه شدیدتر حیات و زندگی کارگران و خلق‌های تحت ستم بویژه در جوامع وابسته می‌باشد. این تضادها نمودی از واقعیت هولناک تلاش و گرایش روزافزون امپریالیست‌ها به تجدید تقسیم جهان از راه جنگ، تجاوزگری و لشکرکشی نظامی و دست‌زدن به هر جنایتی برای تحقق منافع غارتگرانه‌شان می‌باشد. در یک سوی این تضادها امپریالیسم آمریکا قرار دارد که با توجه به شدت بحران اقتصادی خویش و همچنین نیاز به حفظ سرکردگی خود می‌کوشد با اتکا به ماشین نظامی بی‌رقیب خویش، مواضع اقتصادی و نظامی و سیاسی‌اش برعلیه سایر رقبا را گسترش داده و بازارهای هرچه بیشتری

را در سراسر جهان زیر تسلط خود درآورد. استراتژی ضدخلقی "جنگ بی‌پایان" و یا "جنگ جهانی" برعلیه به اصطلاح تروریسم، "طرح خاورمیانه بزرگ" و مبادرت به "تغییر رژیم‌ها" از کانال نظامی و غیرنظامی حاصل چنین گرایش ضدخلقی و جهان‌خوارانه‌ای از سوی امپریالیسم آمریکاست. امپریالیسمی که از زمان روی کار آمدن دولت بوش، برای توسعه سلطه ضدخلقی خویش برعلیه سایر رقبای امپریالیستش، نه تنها افغانستان و عراق را با اعمال جنایت‌های غیرقابل توصیف در حق خلق‌های تحت ستم به اشغال خود درآورد، بلکه اکنون نیز برای حمله به ایران نقشه می‌کشد و تقریباً تمامی جهان را در زیر سایه سیاه ناامنی، جنگ و تهدید نظامی نگاه داشته است.

در سوی دیگر تضادهای جاری در کمپ نیروهای امپریالیستی و جهان‌خوار، قدرت‌هایی نظیر امپریالیسم فرانسه، دولت‌های روسیه و چین قرار دارند که در شرایط تشدید توسعه طلبی‌ها و جنگ افروزی‌های آمریکا به دفاع از مواضع و بازارها و منافع ضدخلقی خویش پرداخته‌اند و در حالی که همچون امپریالیسم آمریکا برای حفظ و گسترش منافع غارتگرانه خویش از دست‌زدن به هیچ جنایت و اقدام ضدخلقی‌ای ابایی ندارند، با پز دفاع از "امنیت جهانی" و "صلح" و... می‌کوشند تا با هر آنچه که در قدرت دارند، در مواجهه با آمریکا و در مخالفت با سیاست‌های انحصارجویانه و یک‌جانبه آمریکا سهم هرچه بیشتری را از بابت غارت و استثمار کارگران و خلق‌های تحت ستم جهان کسب نمایند. مساله "پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی" و تضادهای جاری در بین قدرت‌های امپریالیستی در مورد چگونگی برخورد به این مساله، و به این اعتبار، حمله و یا عدم حمله نظامی به ایران و امکان تغییر این رژیم در چارچوب چنین منفعی- یعنی منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی قدرت‌های امپریالیستی- قابل فهم و توضیح است. انعکاس این واقعیت را در گزارش روزنامه لوموند دیپلماتیک در ماه مه جاری نیز می‌توان به عینه دید. به گزارش این مجله، "واشنگتن" با "مبادرت" به "جنگ عراق در مار س ۲۰۰۳" موفق شد تا "فرانسه و روسیه و ایتالیا" را از عراق "بیرون راند". روشن است که این قدرت‌های امپریالیستی و تمامی آنانی که منافع غارتگرانه خویش در ایران را در خطر دست‌اندازی از سوی آمریکا می‌بینند، مخالف هرگونه فشار و راه‌حل نظامی یک جانبه از سوی آمریکا برای "حل و فصل" پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی می‌باشند و به اعتبار همین واقعیت است که می‌توان ماهیت تلاش‌های ضدخلقی آمریکا برای فشار و تهدید رقبایش را در جهت تمکین به سیاست‌های مورد نظر آمریکا در مورد ایران را دریافت.

در این میان، رژیم ضدخلقی جمهوری اسلامی نیز که تمامی عمر خود را صرف سرکوب کارگران و خلق‌های تحت ستم ایران و خدمتگزاری به منافع امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران جهانی نموده است در شرایط بسیار حساسی قرار گرفته است. در جریان بحران جاری، سردمداران این رژیم با مشاهده سرنوشت رژیم وابسته صدام حسین و با آگاهی از این حقیقت که امپریالیست‌ها هیچگاه سرنوشت خود را با سرنوشت سگان زنجیریشان پیوند نمی‌زنند بشدت به دست و پا افتاده‌اند و برای کسب اطمینان از تداوم بقای رژیم وابسته خود، با فراموش کردن تمامی ادعاهای به اصطلاح ضدامپریالیستی خویش، به گدایی برای "مذاکرات مستقیم" از "شیطان بزرگ" پرداخته و نشان می‌دهند که از برآوردن هیچ یک از خواست‌ها و مطالبات اربابان امپریالیست خویش دریغ نخواهند ورزید. چرا که می‌دانند **تداوم و بقای حکومت ضد مردمی آنها اساساً به برآیند تضادها و توافقات فی‌مابین قدرت‌های جهان‌خوار در لحظه فعلی گره خورده است.**

در بحران جاری، تا آنجا که به کارگران و توده‌های محروم ما باز می‌گردد، آنها هیچ‌گونه منافعی در کمپ هیچ یک از قدرت‌های امپریالیستی نداشته و ندارند. هیچ یک از قدرت‌های امپریالیستی نمی‌خواهند تا برای مردم ما "صلح و امنیت" و "آزادی و حقوق بشر" به ارمغان بیاورند. دعوای آنها، دعوای بین گرگ‌های گرسنه‌ایست که برای دیدن هرچه بیشتر طعمه خویش دندان تیز کرده و به نشان دادن چنگال‌های خود به همدیگر پرداخته‌اند. راه نجات مردم ما از کانال راه حل‌های امپریالیستی نمی‌گذرد. تنها راه نجات مردم، تشدید مبارزه و تلاش برای سازمان دادن یک انقلاب اجتماعی‌ست که با اتکا به قدرت توده‌های سازمان‌یافته، متشکل و مسلح، رژیم جمهوری اسلامی را برافکنده، و سلطه ننگین امپریالیسم را از تمام شئونات جامعه محو سازد. ■

سازمان سیا و رسوایی...

بقیه از صفحه ۱

سال گذشته روزنامه واشنگتن پست آمریکا بر بستر رشد تضادهای درونی هیات حاکمه این کشور، فاش کرد که سازمان سیا در موارد متعددی با ربودن افرادی که از نظر دولت آمریکا "تروریست" خوانده می‌شوند از خاک اروپا، آنها را با پروازهای مخفی به کشورهای انتقال داده که دولت آمریکا در آنها دارای مراکزی برای شکنجه می‌باشد. در جریان بخشی از این افشاگری‌ها معلوم گشت که



سازمان سیا ربوده‌شدگان را با اطلاع مقامات کشورهای از جمله انگلستان، با هواپیماهایی که در خاک آنان سوخت‌گیری کرده و از فضای هوایی این کشورها به نقاط مورد نظر خویش منتقل نموده و آنها را تحت شکنجه‌های وحشتناک قرار داده است. رسوایی ناشی از افشای این اخبار هولناک منجر به تشکیل "کمیته تحقیقات" از سوی اتحادیه اروپا برای بررسی این جریان گشت. اکنون در گزارشات این کمیته که تنها بیانگر گوشه‌ای از حقایق مربوط به جنایات آمریکا در شکنجه قربانیان و همکاری دولت‌های اروپایی با آن دولت است، فاش گشته که سازمان سیا حداقل در هزار مورد، "مظنونین" به "تروریسم" را با هواپیماهایی که از فضای اتحادیه اروپا استفاده کرده‌اند، به کشورها و مراکز شکنجه انتقال داده است. در گزارش مزبور به مواردی از ربوده‌شدن یک شهروند مصری از خیابان‌ها میلان توسط مزدوران سیا در ایتالیا در سال ۲۰۰۳، یک شهروند آلمانی که پس از ربوده‌شدن به ماسادونیا و افغانستان منتقل گشته و یک شهروند کانادایی که از نیویورک به سوریه منتقل شده و مورد شکنجه‌های وحشیانه قرار گرفته، اشاره شده است. افشای این اقدامات جنایتکارانه، در شرایطی که فریادهای "حقوق بشر" و "دمکراسی" دولت‌های آمریکا و اروپا گوش فلک را کر کرده است، یکبار دیگر پرده از ماهیت ضدخلفی و سرکوبگرانه رژیم‌های سرمایه‌داری مورد بحث برداشته و نشان می‌دهد که چگونه این دولت‌ها هر جا که مصالح نظام ایجاب کند، در نقض وحشیانه حقوق بشر و دمکراسی هیچ ابایی به خود راه نمی‌دهند.

"دولت خودمختار" در کردستان عراق و سرکوب...

بقیه از صفحه ۱

در همین چارچوب، در ۱۵ مارس ۲۰۰۶، هزاران نفر از زحمتکشان شهر حلبچه به راهپیمایی و تظاهرات علیه دولت کردستان پرداختند و به فساد مالی صاحبان قدرت و همچنین اوضاع دهشتناک کار و معاش خویش اعتراض نمودند.

حلبچه شهریست که در سال ۱۹۸۸ رژیم بعثی عراق در جریان یک جنایت وحشیانه با هدف سرکوب زحمتکشان کردستان و زهر چشم گرفتن از مبارزین کرد، با استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی‌ای که دولت آمریکا در اختیارش گذارده بود، بیش از ۵۰۰۰ زن و مرد و کودک بی‌گناه را قتل‌عام کرد. بعد از اینکه حزب دمکرات و اتحادیه میهنی با کمک

امپریالیسم آمریکا در کردستان به قدرت رسیدند، هیچ اقدامی برای ترمیم خرابی‌های حلبچه و کمک به قربانیان بمباران شیمیایی نکردند. اما آنها هر ساله تبلیغاتی را حول سالگرد بمباران شیمیایی حلبچه به راه می‌اندازند و از قربانیان این فاجعه برای استفاده‌های تبلیغاتی به نفع خود سود می‌جویند. دولت کردستان در این ۱۸ سالی که از این جنایت می‌گذرد، نه تنها به بازسازی این شهر ویران‌شده و بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌های قربانیان نپرداخته، بلکه مقدار هنگفتی از بودجه‌های کلانی را که به این بهانه دریافت کرده است صرف ساختن یک موزه مدرن و تجملی به عنوان یادبودی برای قربانیان این جنایت کرده است. این موزه در سال ۲۰۰۳ توسط کالین پاول وزیر خارجه آن زمان دولت آمریکا افتتاح شد. در حالی که اکثر ساکنین شهر هنوز از آب آشامیدنی و برق و مدرسه و دکتر و بهداشت عمومی و دیگر خدمات شهری و اجتماعی محرومند. ساخت موزه و یادبودهای تجملی برای بهره‌برداری‌های سیاسی، آنهم در حالیکه مردم از کمبود امکانات ابتدایی زندگی در رنج هستند و منازل و اماکن عمومی رو به ویرانی هستند، خشم مردم را برانگیخته و زحمتکشان کردستان بارها به این امر به اشکال گوناگون اعتراض کرده‌اند.

در تاریخ یاد شده، بیش از ۲۰۰ نفر از تظاهرکنندگان در مقابل ساختمان موزه گرد آمده و با فریادهای خشمگین خود به فسادهای مالی در دولت و بی‌اعتنایی دولت کردستان به شرایط اسفبار زندگی زحمتکشان اعتراض کردند. آنها به این امر اعتراض داشتند که دولت کردستان قربانیان بمباران شیمیایی حلبچه را وسیله‌ای برای بهره‌برداری‌های سیاسی و جذب کمک‌های مالی از نیروهای اشغالگر کرده و بارها به اسم بازسازی حلبچه موفق به گرفتن بودجه‌های مخصوص بین‌المللی شده و ذره‌ای از آن را هم خرج بهتر کردن وضعیت عمومی شهر نکرده است. تعدادی از تظاهرکنندگان به داخل موزه هجوم برده و سنگ نبشته‌ای را که اسامی قربانیان بر رویش حک شده بود تکه تکه کردند و موزه را به آتش کشیدند. نیروهای انتظامی دولت کردستان با شلیک به تظاهرکنندگان اقدام به متفرق کردن آنها کرده و حداقل ۲ نفر را کشته و ۸۰ نفر را زخمی کردند و بسیاری از شرکت‌کنندگان و سازماندهندگان این تظاهرات نیز مجبور به فرار و اختفاء شدند.

دولت کردستان تلاش فراوانی کرد که از درز اخبار این واقعه به خارج از شهر جلوگیری کند و مدت چند روز شهر را در محاصره پلیس و نیروهای نظامی قرار داد و از ورود و خروج خبرنگاران جلوگیری کرد. خبرنگاران و عکاسان بسیاری در خیابان‌ها

و راه‌های خروجی شهر دستگیر شده و فیلم‌های عکاسی و ویدئویی آنها توسط پلیس ضبط شدند. طبق گزارشات مختلف، حداقل ۷ خبرنگار مورد ضرب و شتم نیروهای دولتی قرار گرفته و به شدت مجروح شدند. وقایع شهر حلبچه و برخورد وحشیانه "دولت کردستان" با اعتراض برحق توده‌های زحمتکش جلوه‌ای از ماهیت دولت کردستان را به نمایش گذارده و خشم و نفرت توده‌های خلق کرد را برانگیخته است. ■



خودکشی کارگر نساجی "پارس ایران". جلوه‌ای از...

بقیه از صفحه ۴

کارگران در این نامه عنوان نمودند "به علت مشکلات مالی، هر کدام به نوعی بیماری مبتلا شده و حتی یکی از بازنشستگان به نام "علی ظل طاعت" به علت استرس و ناراحتی قلبی در یکی از خیابان‌های رشت درگذشت و کارگر دیگری به نام ساسان اطمینان که چند روز به عروسی دخترش مانده بود، به علت نداشتن شرایط مالی مناسب و نقدینگی خودش را حلق آویز کرد".

مرگ غم‌انگیز کارگران زحمتکش، گوشه‌ای از شرایط جهنمی‌ای را نشان می‌دهد که رژیم ضدخلفی جمهوری اسلامی و سرمایه‌داران زالوصفت در چارچوب نظام سرمایه‌داری وابسته ایران برای طبقه کارگر ما آفریده‌اند. گردانندگان این نظام کثیف و ضدخلفی نه تنها با استثمار وحشیانه کارگران و تحمیل شرایط بردگی به آنان، شیره جان کارگران زحمتکش را ذره ذره می‌مکنند، بلکه تا ماه‌ها از پرداخت همان دستمزدهای ناچیز و غیر کافی به کارگران خودداری نموده و آنها و خانواده‌هایشان را به کام گرسنگی، فقر و مرگ می‌فرستند. خودکشی و مرگ کارگران کارخانه ایران پارس لکه ننگ دیگری بر کارنامه سراسر جنایت رژیم جمهوری اسلامی و انعکاس بربریتیست که دیکتاتوری ضدخلفی حاکم بطور روزمره بر حیات و معاش میلیون‌ها تن از کارگران و توده‌های محروم ما اعمال می‌نماید. ■

پیروز باد انقلاب!



زنده باد کمونیسم!

خودکشی کارگر نساجی "پارس" ایران". جلوه‌ای از جنایات جمهوری اسلامی و سرمایه‌داران ز الوصفت

کارگران بازنشسته شرکت نساجی پارس ایران رشت که ۱۰ ماه پیش بازنشسته شده‌ایم، هنوز ۱۴ ماه حقوق معوقه، حق سنوات و سایر مزایای قانونی که هر کدام بالای پنج میلیون تومان است را از کارفرما طلبکار هستیم".

(ادامه در صفحه ۳)

فقر و مشکلات مالی گریبانگیر کارگران زحمتکش، بار دیگر از میان آنان قربانی گرفت. ۹۰ نفر از کارگران شرکت نساجی "پارس ایران" که بیش از ۱۴ ماه حقوق و مزایای قانونی خود را نگرفته‌اند، طی نامه‌ای با توضیح مشکلات خود به مقامات حکومت، خواستار پیگیری و رفع مشکل خود شدند. در بخشی از نامه کارگران آمده است که "ما

اخراج کارگران بخاطر درخواست انتخاب نماینده

رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی ده‌ها تن از کارگرانی را که برای رسیدگی به شرایط اسفبار کار خویش به اعتراض برخاسته و خواهان برگزاری "انتخابات" برای داشتن نمایندگان صنفی در محل کار خود بودند را اخراج نمود. این حادثه پس آن اتفاق افتاد که ۳۹ تن از کارگران شرکت صنعتی "لاتن" با اجتماع در خانه کارگر تبریز در اعتراض به

مشکلات پیش‌آمده، خواستار رسیدگی به مشکلات کارگران این واحد صنعتی شدند و بدنبال عدم حل مشکلات، تقاضای برگزاری انتخابات برای داشتن نمایندگان خود را کردند. کارگران مزبور با ارسال نامه‌ای به سازمان کار و آموزش فنی و حرفه‌ای استان آذربایجان شرقی، خواهان برگزاری انتخابات در این زمینه شده بودند. اما مقامات حکومت که هیچ‌گونه تشکل صنفی و حقوق اولیه و انسانی را برای کارگران قائل نیستند، بجای برآوردن درخواست‌های عادلانه کارگران و پاسخ به مطالبات صنفی آنان، همه کارگران امضاءکننده این نامه را از کار بیکار کردند.



چریکهای فدایی خلق ایران برگزار می‌کند

عنوان برنامه‌ها:

نگاهی به زندگی و مبارزات رفیق مادر (به قلم اشرف دهقانی)

به یاد جوانترین یاران فدایی، ارژنگ و ناصر شایگان

رزمندگان باغهای پیشمار فتح (شعر)

سخنرانی فریبرز سجری نسل آفتابکاران، الگوی برای جوانان مبارز!

خاطراتی از لاله‌های سرخ انقلاب، از زیبا رفیق مادر

نمائی از زندگی رفیق مادر و فرزندان انقلابش در صنف چریکهای فدایی خلق ایران

(قطعه‌ای صوتی - تصویری)

برنامه‌های هنری شامل:

اجرای قطعات فولکلوریک با هنرنمایی

مصطفی کرگزی پور: آواز سه‌آز

علی: تیک و دف

نوشین: صدا

ترانه سرودهای مردمی

با اجرای: فریدون (از کارگاه هنر ایران)

زمان: شنبه ۲۰ ماه مه - ساعت ۶ جدامزظهر

مکان: آلباز - هانوفر، ساز دانشگاه شهر هانوفر

غذا و نوشیدنی تدارک دیده شده است.

شماره تلفن تماس در آلباز: بین روزهای ۱۸ تا ۲۰ ماه مه: ۴۰۱۷۵۲۴ - ۰۹۷۳

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051
London
WC1N 3XX
England

شماره تلفن برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران

0044 - 7946494034

آدرس پست الکترونیک: e-mail : ipfg@hotmail.com

"پیام فدایی" بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.fadaee.org/>

از صفحه اشرف دهقانی در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com/>

